

با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

دقّت نظر فوق‌العاده

یک خاطره مربوط می‌شود به سال ۱۳۳۲. ما در خدمت رهبر انقلاب، در جایی قدم می‌زدیم. آقای محدّی گیلپناگی همراه ایشان بودند و من مقداری فاصله داشتم. ضمن صحبت‌ها، آقای محدّی گیلپناگی بیان کردند که وضع اروپا از لحاظ فساد، به آنچنان وضعی رسیده که چپس‌ا مثل قوم لوط، خداوند عذابشان کند. در این لحظه، آقا برگشتند و فرمودند: «نه چنین چیزی نمی‌شود.» بعد دلیل آوردند و فرمودند: «قوم لوط را فقط به دلیل آن عمل ویژه‌ای که معروف شده بودند، عذابشان نکردند، بلکه به جایی رسیده بودند که نه به اصلاح خودشان و نه اصلاح نسل‌های بعدی آنان امید نبود، یعنی نسبت به اصلاح آن قوم و نسل‌های بعدی در همه ابعاد، قطع امید شده بود و به همین دلیل، خداوند عذابشان کردند؛ ولی در اروپا این طوری نیست، همین الان اندیشمندان بزرگی هستند که نسبت به وضعیت موجود ناآخندند و خواهان اصلاح و تغییر وضع موجودند.»

✽ **سردار مصطفی موملین**، مسئول سابق حفاظت بیت رهبری زندگینامه مقام معظم رهبری، موسسه فرهنگی قدر ولایت

استفتاء

از رهبر معظم انقلاب اسلامی

تغییر سال خمسی

(س) در صورتی که پس از پایان سال خمسی، اولین درآمد سال جدید با فاصله زمانی واقع شود آیا می توان مبدأ سال خمسی جدید را تاریخ حصول اولین درآمد قرار داد؟
(ج) مانعی ندارد.

خمس ارث

(س) پدر فوت کردند و نمی‌دانم که ایشان سال خمسی داشته‌اند یا نه! آیا ارثی که از مرحوم پدر به ما رسیده، ششوم خمس می‌شود؟

(ج) اگر نمی‌دانید که ایشان خمس بدهکار است یا اموالش متعلق خمس است، نسبت به خمس تکلیفی ندادید و گرنه باید بدهی خمسی او را مانند بقیه بدهی های پدر، از اصل مال او پرداخت کرده و سپس باقیمانده اموال را بین ورثه تقسیم کنید.

حکم مصرف مریای انگور

(س) استفاده از مریای انگور (نه شیره آن)، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

(ج) اگر انگور هنگام تهیه مریا جوشانده شود، حرام می‌گردد و مصرف آن جایز نیست مگر آنکه با ادامه جوشاندن، دو سوم حجم آب آن کم شود، در این صورت مصرف آن اشکال ندارد.

وضو و غسل جبیرهٔ احتیاطی

(س) با رنگ و چسب کار می‌کنم و کار کردن با دستکش هم ممکن نیست؛ همیشه برای وضو و غسل تا آنجایی که بتوانم، مانع را برطرف می‌کنم ولی گاهی بعد از نماز، وضو یا غسل، مانعی می‌بینم که موقع برطرف کردن متوجه نشده بودم آیا می‌توانم برای وضو وغسل، نیت ما فی الذمه کنم که اگر مانعی بود و من نتوانستم متوجه بشوم، وضو یا غسل جبیره‌ای به حساب آید؟
(ج) اگر از مواردی باشد که وضو جبیره مجاز است، می‌توانید هنگام شستن عضو، جاهایی را که احتمال می‌دهید مانع وجود دارد، علاوه‌بر شستن، به نیت وضو دست‌تر هم بکشید.

حکایت اهلِ راه

عنایت امام عصر (عج)

به مادر شهید

حجت‌الاسلام سید یحیی حسینی می‌گوید:

در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی برابر با سال ۱۴۰۲ هجری قمری با کاروان ۱۹۰۴ یزد به مدیریت مرحوم حاج محمد تقوی عازم حج تمتع شدم، روحانی کاروان مرحوم حاج سید کاظم رضوی بود. مادر اولین شهید انقلاب در یزد (شهید حسین زینق) به نام فاطمه هم زائر کاروان بود که شوهر و دامادش خاصه سفارش او را کردند. من همه جا در خدمت کلیه زائران، خاصه این خانم بودم.

روز عرفه در عرفات نزدیک غروب آفتاب، چادرها را کارگران مطوفین جمع می‌کردند و به منی می‌بردند تا برای ورود زائران آماده کنند. بعد از دعای عرفه و زیارت سیدالشهدا(ع) به زائرین این نکته را تذکر دادیم که چنان‌که برای تجدید وضو از خیمه بیرون رفتید، تنها نروید، ممکن است در همین فرصت خیام را بخلط‌اندازند و نتوانید ما را پیدا کنید. در این شرایط امکان کم شدن زیاد است.

آفتاب روز عرفه غروب کرد، کم کم آنان و نماز مغرب و عشا خوانده شد. ابتدا زن‌ها را برای سوار شدن و سرشماری به صف کردیم، یکی از خانم‌ها کم بود و او هم مادر شهید زینق بود. جست‌وجو با صدا زن با بلندگو شروع شد. هر چه اطراف را گزینیم و صدا می‌زدیم، فایده‌ای نداشت. تقریباً یک ساعت به این کیفیت گذشت.

زن‌ها را سوار اتوبوس کردیم و بعد مردها را به صف کرده و سوار کردیم و همچنان تجسس جهت پیدا کردن خانم زینق ادامه داشت، ولی بی‌نفر، راننده بود به فریاد آمد که چرا مطعلیها؟ خلاصه یک ساعت دیگر حرکت را تأخیرانداختیم. اطراف ما از جمعیت خالی شد و هوا هم کاملاً تاریک. آن زمان وضع روشنائی مثل حالا نبود و تاریکی هوا و خالی شدن آن سرزمین از زائر ترسان کرد. کم کم زائرین هم به صدا درآمدند که خودش نباید می‌رفت، یک نفر بلند ما را با یابورد ما به مزدلفه‌نمی‌رسیم، حجتمان خراب می‌شود و… در آن شرایط چارهای جز حرکت نبود. حرکت کردیم ولی من در رکاب ماشین ایستادم و دائماً او را صدا می‌زدم و به حضرت صاحب‌الزمان(عج) متوسل می‌شدم.

سکوت غمباری زائران را در بر گرفته بود. به هر تقدیر در مُزدلفه نزول کردیم، ضمن جمع‌آوری سنگ برای فردای منا، من جست‌وجوی خود را برای پیدا کردن گمشده‌ام ادامه دادم. در اجتماعات زائران با بلندگوی دستی قسمت‌هایی از وادی را دور زده و صدا زدم، اما فایده نداشت.

در آن زمان زائران در وادی، نیت وقوف کرده، هر کس مشغول سنگ جمع کردن و یا استراحت می‌شد و شب را آنجا می‌ماندند، با اعلان اذان صبح زائران را جمع کردیم و نیت وقوف تذکر داده شد. کم کم زن‌ها را سوار اتوبوس کرده، حرکت دادیم. مردها هم سوار و آماده حرکت به سوی منا شدند و به طلوع خورشید کم مانده بود. وارد وادی مشعر شدیم. آفتاب هم طلوع کرد. به طرف خیام راه افتادیم. من پرچم در دست داشتم و مردها را به سوی خیمهٔ اول هدایت می‌کردم. چون زن‌ها رودتر حرکت کرده بودند، فکر می‌کردم مدیر آنها را به خیمه آورده است. وارد خیمه شدم. تنها کسی که در خیمه نشسته بود فاطمه زینق بودا باقریه شوق به سویش دویدم و گفتم حاجی فاطمه کجا رفتی؟ کجا بودی؟ چطور شد که گم شدی؟ با حالتی متعجب گفت: آقای حسینی! شوخی‌ات گرفتم، چه کسی گم شده، شما خودت مرا آوردی و برام سنگ جمع کردی و نشاندی و دعا خواندی و نیت را گفتی و بعد هم مرا آوردی این‌جا و گفתי این‌جا خیام منست، بنشین الان سایرین می‌آیند و بیرون رفتی و الان به من می‌گویی کی آمدی؟! کجا بودی؟!

✽ **کتاب: خاطره‌های آموزنده**، نوشته **آیت‌الله محمدی ری‌شهری**
انتشارات دار‌الحديث قم

کافران در طول تاریخ بخش عظیمی از جامعه انسانی را تشکیل داده و می‌دهند. با نگاهی به آیات سوره‌های واقع و رحمن و مانند آن می‌توان به آسانی دریافت که تنها شماری‌اندک از جامعه جزو انسان‌های کامل، مقرب و سبقت جو هستند که اکثریت آنان را نیز همان اقوام پیشین از آدم(ع) تا خاتم(ع) تشکیل می‌دهند.

متوسطان از مومنان نیز هر چند از نظر شمار در عصر پیش و پس خاتم(ص) یکسان هستند، ولی اگر این دو گروه و هایی یافتگان را در کنار هم بگذاریم، شمار آنان نسبت به کافران چنان‌اندک است که قرآن از آنان به قلیل یاد می‌کند و کافران را اکثریت می‌شمارد. بنابراین، جامعه ایمانی باید بسیار هوشیار و بیدار باشد تا در محاصره کافران نیفتد و گرفتار توطئه‌هایشان نشود؛ زیرا برنامه آنان، همسان سازی همه انسان‌ها با افکار و عقاید و رفتار آنان است و در این راه از اکثریت و نیز قدرت و ثروت خویش بهره می‌گیرند و هر گفتمان مخالف را سرکوب می‌کنند تا همگان به ملت و آیین آنان در آیند.

توطئه‌های دائمی کافران علیه مومنان

کافران مجموعه‌ای از جنیان و انسان‌ها را شامل می‌شوند. رهبری کافران را ابلیس به عهده‌دارد. این دشمن سوگند خورده بشر، به سبب خودبزرگ بینی و ادعای خلافت الهی، بر خداوند طغیان کرد و به جنگ برگ آمد تا وی را از فعلیت بخشی اسمای الهی در خود باز دارد و توانایی او را برای به عهده گرفتن این مسئولیت به اثبات رساند. لذا از همه قوای خود بهره می‌گیرد.

بسیاری از انسان‌ها به سبب گرایش به هواها و خواسته‌های نفسانی به سوی ابلیس می‌روند و وسوسه‌های او را می‌پذیرند و در یک فریبندی به ولایت ابلیس به جای ولایت خدا تن می‌دهند. این‌گونه است که طاغوت بر ایشان ولایت می‌یابد و به سوی سقوط و ذروخ رهنمون می‌کند.

سوره نظام و پیاده نظام ابلیس، شیاطینی از جنیان و انسان‌های خود باخته هستند که سرنوش خود را به دست ابلیس سپرده‌اند. اینان خواسته و ناخواسته در خدمت او هستند. تمامی تلاش شیاطین انسی و جنی این است که خداوند در زمین عبادت نشود و هیچ کس به راه مستقیم عبودیت هدایت نیافته و نتواند اسمای سرشته در ذات را فعلیت بخشد و مثاله و در نهایت ربانی شود و خلافت الهی را به عهده گیرد.

از زمانی که خداوند فرمان هبوط را به آدم(ع) و ابلیس داد، چالش آنها از ساحت قدس الهی به زمین کشیده شد. از همان زمان بود که نخستین جنگ واقعی توسط قابیل حسود انجام گرفت و هابیل به سبب ایمان و تقوایش کشته شد. از آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مائده که داستان هابیل و قابیل در آن بیان شده، این معنا به دست می‌آید که تقوای الهی مهم‌ترین ویژگی در هابیل بود. این تقواست که هر عملی را ارزشمند می‌کند و به آن صورت قبولی می‌دهد. به این معنا که اگر انسانی کار نیک انجام دهد باید این حسن فعلی او همراه با حسن فاعلی باشد که تقواست. فقدان تقوا حتی موجب می‌شود تا نماز انسان نمازگزار مقبول درگاه ایزدی نیفتد.

قابیل به سبب بی‌تقوایی در دام ابلیس گرفتار می‌شود و جدال آن دو به جنگ و جدال کشیده می‌شود و قابیل هابیل را می‌کشد، در حالی که هابیل دست به سوی او دراز نمی‌کند و حاضر نمی‌شود تا به برادر کشی اقدام کند.

از آن زمان است که جنگ و خونریزی میان انسان‌ها اتفاق افتاد و اولین خون بر زمین ریخته، خون انسان مومنی بود که بی‌هیچ دلیلی بی‌گناه

معارفMaarefkayhan@Kayhan.ir

بر اساس آموزه‌های اسلامی، توطئه، امری ثابت است وای که برخی از توهم توطئه سخن می‌گویند، سخنی بی‌پایه است؛ چراکه دشمن سوگند خورده از روز نخست آفرینش حضرت(ع) از خداوند فرصت گرفت تا فرزندان آدم(ع) را گرم‌ها کند و تنها اهل ایمان هستند که از خطر گمراهی می‌رهند.

این دشمن سوگند خورده به یاری ابزارهای درونی و بیرونی وهمگامی وهمراهی و همکاری شیاطین انسی و جنی، به شکار انسان، می‌آیند و می‌کوشند تا آنان را به سقوط بکشانند و به آیین و ملت خویشی در آورند.

از این رو قرآن همواره از خطر کافران معاند سخن می‌گوید و نسبت به توطئه آنان در همه مکان‌ها و زمان‌ها هشدار می‌دهد. نویسنده در مطلب پیش رو این موضوع را بر اساس آموزه‌های قرآنی تبیین کرده و درباره ویژگی‌های این دسته از کافران و عملکردها و برنامه‌های آنان و ضرورت رویارویی مومنان با آنان سخن گفته است.

جدال با کافران، مسئولیت همگانی مومنان

جدال میان حق و باطل و کفر و ایمان، جدالی دائمی و در همه سطوح و حوزه‌هاست. این‌گونه نیست که تنها جدالی در حوزه کتاب و دانشگاه باشد، بلکه جدالی است که همه ابعاد و حوزه‌های عمل انسانی را در بر می‌گیرد. از این رو می‌توان نشانه‌های جدال حق و باطل و کفر و ایمان را در حوزه‌های هنری و فکری، نظامی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مانند آن دید و ردگیری کرد.



از آیات ۲۷ تا ۳۱ سوره مائده که داستان هابیل و قابیل در آن بیان شده، این معنا به دست می‌آید که تقوای الهی مهم‌ترین ویژگی در هابیل بود. این تقواست که هر عملی را ارزشمند می‌کند و به آن صورت قبولی می‌دهد. به این معنا که اگر انسانی کار نیک انجام دهد باید این حسن فعلی او همراه با حسن فاعلی باشد که تقواست. فقدان تقوا حتی موجب می‌شود تا نماز انسان نمازگزار مقبول درگاه ایزدی نیفتد.

شنس الدین ربمیی

همن‌گونه که جدال مومنان و کافران درباره خالقیت یا درباره ربوبیت خداوند وجود دارد، در مسائل دیگری چون حساب و کتاب رستخیز و باطل و غیر حقیقی جلوه می‌دهند. از نظر آنان روش تجربی به معنای دستیابی به تمام حقیقت است، حالی که روش تجربی و علوم مرتبط به آن تنها بخشی بلکه گوشه‌ای از حقیقت را روشن می‌کند. کافران با حربه علم به جنگ حقیقت می‌آیند و

خداوند در آیاتی از جمله آیه ۲۸ سوره آل عمران و ۱۶۱ و ۱۴۴ سوره نساء و ۵۷ سوره مائده، هر گونه حکومت و سلطه کافران بر مسلمانان و جامعه ایمانی را نامشروع می‌داند و در آیات ۱۴ و ۱۷ سوره مجادله پذیرش حکومت و ولایت کافران را مایه بدبختی ابدی و جاودانگی در دوزخ می‌شمارد. این بدان معناست که هر گونه نفوذ و سلطه و ولایت کافران چیزی جز دوزخ و خشم الهی را در پی نخواهد داشت و لذا کسی حق ندارد به هیچ عنوان ولایت آنان را بپذیرد.

کافران تبری می‌جوید و حاضر نمی‌شود تا باار گناهان و کفر آنها را به دوش کند.(حشر،آیه ۱۶)
کافران، انسان‌های پیمان شکن هستند و حتی میان خودشان نیز وفادار نیستند(انفال، آیات ۵۵ و ۵۶)
از این رو می‌توان به سادگی و آسانی به آنان هجوم آورد و آنان را شکست داد.

آنان از نظر شخصیت انسان‌های فرومایه و بی‌مقدار و باطل گرا هستند (محمد، آیه ۳ و نحل، آیه ۷۳)
جز به افساد و فتنه به چیز دیگر روی خوش نشان نمی‌دهند.(مائده، آیه ۶۴ و نحل، آیه ۴۲)
صلت‌هایی‌چون بی‌مالتی(عبس، آیه ۴۲) بی‌عقلی(مائده، آیه ۱۰۳)
بهانه‌جویی(انعام، آیات ۷ و ۸)
تجاوزگری(آل عمران، آیه ۱۱۲)
تحیر و سرکشی(انعام، آیات ۱۰۹ و ۱۱۰)
پلیدی و ناپاکی (آل عمران، آیه ۵۵)
تمصب‌نسناسه، آیه ۱۵۵)
تفاخر(مریم،آیه۷۳)
دعها خصلت دیگر، کافران را چنان ساخته است که نمی‌توان آنان را در جرگه انسان دانست و همین ویژگی موجب می‌شود تا به آسانی در برابر مومنان هوشیار و بیدار، ناتوان شوند.

برای آنها، دنیا عزیزتر و همه چیز است و اگر کسی متعرض دنیای آنان شود، سخت دلگرم می‌شوند. آنان برای دنیای خویش حاضر هستند همه چیز را فدا می‌کنند. این‌گونه است که مومنان می‌توانند در صورت هوشیاری آنها را شکست دهند.

به حال، خطر کافران، در عصر حاضر نه یک توهم بلکه خطری واقعی بر ایمان و جامعه ایمانی است و دشمنان همه تلاش و توش و توان خویش را گرد آورده‌ان تا هر گونه ایمان و مومنی را از جامعه بشری بزایند. پی لازم است تا همواره مومنان هوشیار و بیدار باشند.

چراغ راه

تفاخر بر دیگران و ترس از فقر دو عامل هلاک‌کننده!

قال الامام الحسین(ع): «هلک الناس اثنان: خوف الفقر و طلب الفخر».
امام حسین(ع) فرمود: دو چیز مردم را هلاک و بیچاره گردانده است: یکی ترس از اینکه مبادا در آینده فقیر و نیازمند دیگران گردد، و دیگری فخر کردن و مباحثات بر دیگران است.^(۱)

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۵۴، ح ۹۶

حکایت خوبان

خطر عجب برای بندگان عابد

در حدیث قدسی: خداوند وحی فرستاد به داود(ع) که بشارت ده گناهکاران را و اعلام خطر کن به بندگان عبد و فرمایند:دارم. داود عرضه داشت: خداوند!چگونه گناهکاران را بشارت دهم و بندگان عبد را بترسانم؟ خداوند فرمود: به بندگان عاصم مژده بده که من توبه و بازگشت آنها را می‌پذیرم و بندگان عبد را بترسان از اینکه اگر محکمه عدل ما بر قرار گردد و بخواهیم از آنان دقیقاً محاسبه کنیم، همگی هلاک خواهند شد.^(۱)

۱- کافی، ج ۳، ص ۷۶۵

پرسش و پاسخ

چگونگی شکل گیری خودخواهی انسان (۲)

پرسش:

حب نفس یا خودخواهی انسان که منشأ همه مفاسد است، چگونه در انسان شکل می‌گیرد و تقویت می‌شود و راهکارهای مقابله با آن کدام است؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: روند شکل‌گیری خود الهی و خود شیطانی، چگونگی تقویت من حقیقی و الهی و من مذموم و شیطانی و لذت‌طلبی من بزرگ توجه به خدا و تقویت من شیطانی پرداختیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را بی می‌گیریم.

حب دنیا تقویت‌کننده من شیطانی

در آموزه‌های وحیانی اسلام تصریح و تأکید شده که حب دنیا با حب خدا هرگز یکجا جمع نمی‌شود. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «حب دنیا و حب‌الله لایچتمعان فی قلب ابدا» (تنبیه الخواطر، ص ۳۶۲)
همچنین امام علی(ع) می‌فرماید: «کما ان الشمس و اللیل لایچتمعان کذلک حب الله و حب‌الدنیا لایچتمعان»
همچنان‌که خورشید و شب هرگز یکجا جمع نمی‌شوند، دوستی دنیا و حب خدا هم یکجا جمع نمی‌شوند.(غرالحکم، ج ۷۲۱۹)
بنابراین اگر توجه و گرایش نفس به امور دنیوی و لذایذ آن رو به زوئی نگذارد، به همان میزان بر غلبت او از خدا افزوده می‌شود تا آنجا که دیگر مجالی برای توجه به ذات حق باقی نمی‌ماند.

بنابراین لذت‌طلبی‌های نامشروع و حب دنیا سرازار هر معصیت و گناهی است که در مجموع خودخواهی و حب نفس مادی و شیطانی انسان را تقویت می‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید: «حب‌الدنیا اصل کل معصیه و اول کل ذنب»
دوستی دنیا، اصل هر معصیت و سرازار هر گناهی است.(تنبیه‌الخواطر، ص ۳۶۲)
نتیجه اینکه غفلت از خدا، حب دنیا، لذت‌طلبی نامشروع و حب خود و خودخواهی مذموم و غیرالهی هر سه در معنا یک چیزند. زیرا غفلت از خدا به طور طبیعی خود شیطانی یا خودخواهی مادی و شیطانی است. هر گونه خروج از حد شرایطی در واقع هوای نفس خواهد شد. «فرایت من اتخذالله هوا»
یا دیدی کسی را که خدای خودش را هوای نفسش قرار داده بود؟ (فرقان - ۲۳)

راهکارهای عملی مبارزه با خودخواهی

۱- توجه به خدا

روح تمام تعالیم آسمانی این است که انسان در همه حال لحظه‌ای از یاد خدا غفلت نکند و از هر گونه گرایش و تعلقی که او را به خود مشغول کند پرهیز نماید، چنانکه در روایتی پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «اللهم لا تکنلی الی نفسی طرفه عین ابدا»
خدا! هرگز مرا چشم بزمه ردنی به خودم وامگذار! (مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۵۷)

۲- اقبال و تعین حریم در امیال و گرایش‌ها

اگر انسان در امیال و گرایش‌های خود از افراط و تفریط دوری کند و تعادل را در سبک زندگی خود با الهام از آموزه‌های وحیانی اسلام و تعالیم مرفقی قرآن کریم و سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) بپاده کند، می‌تواند حق‌الله، حق‌الناس و حق‌النفس را در حریم تعیین شده احکام واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح عملی کند و آنها را از محور خودخواهی و خودپرستی نشود. هر گونه خروج از حد اعتدال و گرفتاری در گرایش‌های افراطی و تفریطی انسان را به وادی سقوط و انحطاط می‌کشاند.

۳- اخلاص

بدون شک لازمه مقبولیت عمل در بارگاه الهی داشتن حسن فاعلی و اخلاص در عمل است. همین پرهیز از میل و خواست خود و هواهای نفسانی و تسلیم در برابر احکام و فرامین الهی بهترین راهکار عملی برای تضعیف خودخواهی انسان است.

۴- بصیرت و آگاهی

وقتی انسان نسبت به آثار سوء خودخواهی و ذرایل اخلاقی ناشی از آن، آگاهی بیشتری روشن برای کنترل خودخواهی‌های نفسانی انسان است. مبارزه مستمر با امیال و گرایش‌های نفسانی و لذت‌طلبی‌های مادی و شهوانی، قدرت روحی و معنوی انسان را در جهت غلبه بر هوای نفس تقویت می‌کند و خودخواهی‌ها و خودپرستی‌های مادی و شیطانی او را کاملاً مغلوب می‌سازد.

۶- پرورش فضائل اخلاقی

اسلام علاوه بر اینکه با خودخواهی به عنوان سرچشمه و ذرایل اخلاقی مبارزه می‌کند و آثار و مظاهر خودخواهی مانند: حسد، ربا، غیور، کبر، طمع، خودشیفتگی و عصب و ... را از خود با جهاد اکبر دور می‌کند، از طرف دیگر دعوت می‌کند تا فضائل اخلاقی مانند: ایثار و تقدم غیر بر خود، غفو و گذشت و عدل و انصاف، بذل و بخشش، مهر و عطفوت، رحمت و محبت و مدارا و ... را در خود تقویت کنیم تا در نقطه مقابل خودخواهی این فضائل در وجود انسان ملکه و نهادینه گردد.

سلوک عارفانه

راهکار غلبه بر خودخواهی

شما نمی‌دانید نفس انسان چقدر سرکش است. بهترین راه تربیت و از بین بردن انانیت نفسی که در تنگنای ظلمات امیال و خواسته‌ها گرفتار شده است، این است که انسان به طور کامل تابع کسی شود که تربیت شده خداوند است. تبعیت کامل یعنی اطاعت بی‌چون و چرا. تنها راه آدم شدن این است که انسان نسبت به پیغمبر شهبه نکند و فقط از سنت ایشان تبعیت نماید.^(۱)

۱- ادب الهی، آیت‌الله شیخ مجتبی‌تهرانی(ره)، کتاب یکم، ص ۳۸۸

صفحه معارف روز های: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود

تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۲۳۲۱۱ - ۰۲۳۲۳۲۱۱

MaarefKayhan@Kayhan.ir

صفحه ۸

سه‌شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۱

۱۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ - شماره ۳۳۱۸۶

